

هر چه پرشکوه‌تر به استقبال روز جهانی کارگر بشتابیم!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲، روز جهانی کارگر، بر همه کارگران و مردم محروم و تحت ستم جهان حجسته باد! اول ماه مه امسال را در حالی برگزار می‌کنیم که سیستم سرمایه‌داری دوره‌گندیگی خود را می‌گذراند و با لشکرکشی و کشتار و راه انداختن جنگ‌های زنجیره‌ای به سردمداری امپریالیسم آمریکا، تلاش می‌کند، بحران‌های خود را با کشتار توده‌های مردم و استثمار شدید تولیدکنندگان پشت سر بگذارد.

در مقطع ماه مه ۲۰۰۳، جهان بشری شاهد جنگ نفرت‌انگیز و ویران‌گر آمریکا و متحدانش بر علیه مردم عراق هستیم. در این جنگ هزاران نفر به ویژه زنان و کودکان کشته شدند و ده‌ها هزار نفر نیز معلول گردید. عوارض و عواقب روحی و روانی و مشقت‌های و فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن را مردم ۲۶ میلیونی عراق سال‌ها و شاید دهه‌ها با خود خواهند داشت و از داشتن یک زندگی انسانی آزاد و مستقل و آرامش نسبی محروم خواهند بود. چرا که اشغال‌گران قرار نیست به این زودی‌ها عراق را ترک گویند و حق تعیین سرنوشت مردم این کشور، به ویژه کارگران و کمونیست‌ها را به رسمیت بشناسند.

هدف جنگ‌هایی که آمریکا در سال‌های اخیر برای اعمال سلطه امپریالیستی خود در جهان راه انداخته است، در واقع هدف اصلی‌اش سرکوب جنبش‌های کارگری و کمونیستی در جهان و توسعه سیستم سرمایه‌داری و برتری بر رقبایش است. در اثر این جنگ‌ها میلیون‌ها انسان نابود و یا خانه خراب شده‌اند. صدها هزار کارگر از کار بی‌کار شده‌اند و به صفوف میلیونی ارتش بی‌کاران پرتاب گردیده‌اند. در حالی که سرمایه‌داری و دولت‌ها میلیارد‌ها دلار صرف جنگ و کشتار و تولید سلاح‌های کشتار جمعی می‌کنند، اگر این مبالغه‌نگفت صرف خدمات درمانی، آموزشی و رفاهی می‌شد شاید میلیون‌ها انسان از خطر بی‌کاری، گرسنگی و بیماری‌های مسری‌هایی پیدا کنند. اما متأسفانه سیستم سرمایه‌داری به مرحله‌گندیگی خود رسیده است و کم‌ترین رحم و شفقت انسانی در آن باقی نمانده است و اهدافی جز کسب سود ندارد.

اکنون بعد از عراق، بحث حمله نظامی به ایران و یا سوریه در میان است. در چنین شرایطی ما کارگران و کمونیست‌های جهان، همچنان در صفوف خودمان نباید شعار ضد جنگ را کنار بگذاریم. از

سوی دیگر باید شعار ضد جنگ را به شعار ضد سرمایه داری نیز تبدیل کنیم و یک بار دیگر در تظاهرات ها و مراسم های روز جهانی کارگر، عهد و پیمان طبقاتی ببندیم و اجازه ندهیم سیستم سرمایه داری عنان گسیخته و بی رحمانه به هر کشوری که دلش خواست لشکرکشی کند و هم نوعان ما را به خاک و خون بکشاند. از سوی دیگر باید انترناسیونالیسم پرولتری را بیش از پیش زنده کنیم تا در صورت بروز جنگی دیگر مباره ضد جنگ را فقط به اعتراضات خیابانی محدود نکنیم، بلکه آن را با اعتصاب در کارخانه ها، فردگاه ها، خطوط راه آهن، اتوبوس رانی، بنادر و هر جایی که بورژوازی را زمین گیر کند همراه سازیم. اگر مبارزات ما، در خیابان ها، محلات، محیط کارمان، دانشگاه ها، مدارس و ادارات هم زمان سازمان دهی شود، هم مطالبات و خواسته های خودمان را به این سیستم تحمیل خواهیم کرد و هم مانع لشکرکشی آنان خواهیم شد.

تا آن جایی که به ایران مربوط می گردد ما کارگران و کمونیست ها باید پرچم سرنگونی سرمایه داری و رژیم را بلند کنیم. رژیم جمهوری اسلامی، بی رحمانه دست به سرکوب زنان، کارگران، جوانان، فزاینده دانش جویان، معلمان، آزادی خواهان و مردم محروم و تحت ستم می زند. این رژیم ترور، تهدید، زندان، شکنجه و اعدام می کند. با شیوه های راسیستی و فاشیستی مردم محروم و تحت ستم را سرکوب می نماید. این رژیم، سه الی ۵ میلیون انسان، به ویژه جوانان را معتاد کرده است. گروه های مافیایی رژیم، از فروش مواد مخدر میلیاردها دلار سود به جیب می زنند. این رژیم، دستمزد ناچیز کارگران را پرداخت نمی کند. در حاکمیت این رژیم ۸۰ درصد جامعه در فقر و فلاکت زندگی سخت و مشقت باری را می گذرانند. کودکان فقیر و بی سرپرست و فراری از توهین و تحقیر و فشار در خیابان ها طعمه مناسبی برای باندهای مافیایی هستند. صدها هزار دختر و زن، اجبارا و علی رغم دل خواه خود برای امرار معاش تن فروشی می کنند. جوانان حتا برای زنده ماندن ارگان های بدن خود از جمله کلیه هایشان را می فروشند. زنان علاوه بر فشارهای روزمره، از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی نیز کنار گذاشته شده اند. اما با این وجود زنان ایران، مرعوب این رژیم ستم گر و سرکوبگر نشده اند و هم چنان به مبارزه برابری طلب خود ادامه می دهند. روزنامه نگاران و نویسندگان و دانش جویان هیچ گونه امنیتی ندارند. خلاصه کلام عدم آزادی های سیاسی، اجتماعی و فقر و فلاکت سبب شده است که میلیون ها انسان دچار افسردگی و بیماری های روحی و روانی شوند. اکنون خودکشی در این کشور به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل گردیده است.

در چنین شرایط دردناک و ناگواری کارگران که محروم ترین و بی حقوق ترین طبقه جامعه هستند در زیر فشار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمرشان خم شده است. دیگر طاقت و صبر این طبقه به پایان خود نزدیک می شود. اگر این نیروی عظیم در سطح سراسری ایران با شعار «سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی! برقرار باد حکومت کارگری!» راه بیافتد، قطعا چندان طول نخواهد کشید که شیرازه رژیم از

هم خواهد پاشید. چرا که ۲۴ سال است کارگران ایران، مبارزه می کنند و در سال های اخیر هزاران اعتصاب را سازمان دهی کرده اند و اکنون نیز این اعتصابات در حال رشد و گسترش است اگر پیشروان کارگری ضعف های خود را بر طرف کنند از جمله با شعار همبستگی طبقاتی سراسری کارگران شاغل و بی کار کشور، به میدان بیایند به آن حد از آگاهی و تجارب طبقاتی رسیده اند که با تحمیل گام به گام مطالبات خود راه را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خرد کردن ماشین سرمایه داری دولتی، ورق تازه ای در تاریخ ایران باز کنند. با نگاهی به چند نمونه از مبارزه کارگران در شهرهای مختلف در دو هفته اخیر در عمل می بینیم که چه قدر کارگران ایران، آگاه و رزمنده هستند و برای رهایی خود و کل جامعه ایران جان فشانی می کنند.

روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه، کارگران چیت شهر بهشهر، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان به مدت ۲۶ ماه دست به تظاهرات زدند. کارگران نساجی کارخانجات دیگر در این شهر نیز در همبستگی با هم طبقه ای های خود به این تظاهرات پیوستند. علاوه بر این تظاهرات چهارشنبه کارگران، با حمایت و پشتیبانی توده های مردم نیز روبه رو گردید. تظاهرات سی هزار نفری سردمداران رژیم را به وحشت انداخت. نماینده ولی فقیه در این شهر، وضع بهشهر را بحرانی خواند. رژیم، سراسیمه با چندین دستگاه اتوبوس نیروی های انتظامی را به محل آورد. مامورین با گاز اشک آور به تظاهرکنندگان حمله کردند. درگیری میان کارگران و نیروهای انتظامی آغاز شد. تظاهرکنندگان شعار می دادند: کارگران اتحاد اتحاد! توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد! رحمانی بی عرضه برگرد برو به حوزه! رحمانی نماینده بهشهر در مجلس شورای اسلامی است. در این تظاهرات حدود ۲۰ نفر دستگیر گردیدند.

دریا بیگی دبیر خانه کارگر رژیم در استان مازندران، در گفت و گو با خبرنگاری ایلنا گفت، روز شنبه ۳۰ فروردین ماه، مقامات استان وارد مذاکره با نمایندگان کارگران شدند. به گفته کاشانی راد فرماندار بهشهر در این مذاکرات همه دست اندرکاران استان در جلسه مذاکره با کارگران شرکت داشتند. کارگران خشمگین بهشهر، اعلام کرده بودند که اگر تا روز یکشنبه ۳۱ فروردین به خواسته هایشان پاسخ داده نشود دوباره به خیابان ها خواهند ریخت.

در ارتباط با اعتراض کارگران بهشهر، کاشانی فرماندار بهشهر در گفت و گو با خبرنگاران گفت: امروز یکشنبه خبر دادند که کارگران درخواست های دولت را نپذیرفتند و خواستار وصول کل دو میلیارد تومان طلب خود تا فردا هستند و تهدید کرده اند که دوباره به خیابان ها می ریزند. ما هم با مقامات استان مذاکره کرده ایم و قرار است در یک جلسه فوق العاده شرایط بررسی شود و تصمیم های لازم اتخاذ شود، حال چه خواهد شد، به ساعات و روزهای آینده بستگی دارد. کاشانی اوضاع را

امیدوارکننده ندانسته و با سیاسی خواندن حرکت کارگران اظهار داشت: کسانی هستند که به این جریان خط می‌دهند و کمک می‌کنند. در چند سال گذشته که من این جا بودم، هیچ وقت مسایل این‌گونه پیچیده نبوده، معلوم است که جریان هدایت شده است، و الا از کارگران ساده و زحمت کشی که به دنبال وصول مطالبات به حق خود هستند، بعید است که این‌گونه مواضع تندی علیه دولت و نظام بگیرند و هیچ کس را به حساب نیاورند، قطعاً کسانی هستند که این‌ها را آموزش می‌دهند و راه می‌اندازند.

فرماندار بهشهر نیک می‌داند که کارگران بیش از او به سیاست آشنایی دارند و نیازی به آموزش هیچ کس نیز ندارند. بحث بر سر این است که آقای فرماندار بهشهر و دیگر سردمداران و مدیران علی‌رتبه رژیم، ستم‌گر و استثمارگرشان، به خوبی می‌دانند که روزی که کارگران سراسر کشور همانند کارگران بهشهر به میدان بیایند سردمداران جمهوری اسلامی، فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد. کارگران به عنوان طبقه اصلی جامعه، بر خلاف سرمایه‌داران و رژیم جانی‌شان، این آگاهی و توانایی ساختن جامعه‌ای را دارند که در آن کسی سرکوب نشود؛ زندانی و شکنجه و اعدام نگردد، از سانسور و اختناق خبری نباشد؛ بهداشت و آموزش و پرورش رایگان باشد؛ کودکان از بهترین و زیباترین امکانات تحصیلی و تفریحی برخوردار باشند؛ تبعیض و تحقیر و نابرابری ملی و جنسی وجود نداشته باشد؛ استثمار انسان از انسان خاتمه یابد و همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و مرام سیاسی آزاد و برابر در رفاه و آرامش زندگی کنند. کارگران خواهان انسان‌ترین و شادترین زندگی برای کل جامعه بشری هستند.

از سوی دیگر اسدی رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان مازندران نیز روز اول اردیبهشت ماه، در گفت‌وگویی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، با بیان این نکته که مذاکرات کارگران و دولت نتیجه مثبتی نداشت، گفت: کارگران یک چیز می‌خواهند و مسئولین چیز دیگری می‌گویند، کارگران خواستار گرفتن کلیه مطالبات خود تا پایان سال ۸۱ هستند و می‌گویند که بعد از آن با کارخانه تسویه حساب می‌کنند... وی با اشاره به این که وقتی سوت کارخانه به صدا درمی‌آید، سوت اول به معنی جمع شدن کارگران، سوت دوم به معنی آمادگی آن‌ها برای حرکت به سمت شهر و سوت سوم حرکت به سمت شهر معنی می‌دهد، افزود: تا این لحظه سوت سوم زده نشده است، اما قطعاً آن‌ها حرکت خواهند کرد و چون از خیابان اصلی شهر هم حرکت خواهند کرد، بازار را تعطیل می‌کنند و مردم هم به جمعیت محدود آن‌ها افزوده می‌شود و جمعیت زیادی تشکیل می‌شود. وی گفت: پیش‌بینی ما این است که شبیه روز چهارشنبه که بالغ بر بیست و پنج هزار نفر در این تجمع شرکت کردند و شهر چهره ملت‌هایی به خود گرفته بود، امروز نیز شهروندان دیگری به جمع کارگران بپیوندند.

تجمع و بحث و تبادل نظر کارگران در کارخانه ادامه دارد. شهر بهشهر بیش از پیش ملت‌ه‌ب است. اگر

کارگران بهشهر بتوانند مطالبات خود را بر کارفرماها و رژیم‌شان تحمیل کنند، افق جدیدی در مقابل طبقه کارگر ایران، گشوده خواهد شد که از یک سو با قدرت طبقاتی هر چه زودتر دستمزدهای معوقه خود را از حلقوم استثمارگران حریص بیرون بکشند و از سوی دیگر با شعارها و مطالبات اقتصادی، رفاهی و سیاسی جدید نظیر اضافه دستمزد، بیمه بی‌کاری، بهداشت و تحصیل رایگان، آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو سانسور و اختناق، آزادی تشکل‌های مستقل و اعتصاب و... به میدان بیایند. جمع‌بندی و تحلیل این حرکت پرشکوه کارگران بهشهر و انتقال تجارب آنان به همه کارخانه‌ها و کارگاه‌های ایران و جلب همبستگی توده‌های مردم با مبارزات کارگران کاری مهم و با ارزش طبقاتی است. کاری که فعالین جنبش کارگری و کمونیستی و رهبران عملی و پیشرو کارگران باید این امر مهم را انجام دهند.

سایت «رویداد»، در ادامه اعتراض کارگران بهشهر، شب دوشنبه اول اردیبهشت ماه نوشت: با پایان یافتن مهلت ۴۸ ساعته کارگران کارخانه «چیت ساز» به مسئولان محلی بهشهر، روز دوشنبه این شهر بار دیگر شاهد اعتراضات گسترده کارگران و فضایی ملتهب بود. به گزارش «رویداد» روز دوشنبه کارگران سازمان‌دهی اعتراض خود را به وسیله «سه صوت» کارخانه خود انجام دادند. با سوت اول کارگران جمع شدند. سوت دوم که به منزله آخرین اخطار به مسئولان بود، آمادگی آن‌ها را برای حرکت اعلام کرد و با سوت سوم، موج کارگران به سمت شهر راه افتاد و با تعطیل کردن بازار و افزوده شدن مردم به آن‌ها، بهشهر بار دیگر چهره‌ای ناآرام به خود گرفت.

یکی از نمایندگان کارگران در جریان اعتراضات روز دوشنبه گفت: «خواست ما مشخص است، مطالبات یک سال گذشته را می‌خواهیم اما مسئولان چیز دیگری می‌گویند و محدودیت‌های موجود برای فروش اموال شرکت را مطرح می‌کنند».

این سایت افزود: گفتنی است، در اعتراض‌های روز دوشنبه بار دیگر شعارهای تندی علیه مسئولان محلی، نماینده بهشهر مجلس و امام جمعه این شهر مطرح شد.

روز ۳۰ فروردین، کارگران کفش شادان‌پور در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به تجمع اعتراضی زدند. طبق گزارشات ۴۸۰ نفر از کارگران کفش شادان‌پور حدود یک سال است که موفق به دریافت دستمزدهای خود نشده‌اند. کارگران این کارخانه، برای دریافت دستمزدهای خود تاکنون بارها در اشکال مختلف از جمله تظاهرات، تجمعات اعتراضی و بستن جاده دست به اعتراض زده‌اند.

کارگران کفش صنعتی نقش جهان، روز سی‌ام فروردین ۱۳۸۲، در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزدشان دست به اعتراض زدند و در برابر موسسه آموزش عالی کار تجمع کردند. این تجمع با

مذاکره نمایندگان کارگران با مسئولین موسسه پایان یافت.

روزنامه کیهان، روز دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۲ نوشت: کارگران شرکت ایران کنف استان گیلان در اعتراض به عدم دستمزد خود صبح روز ۳۱ فروردین، به صورت راهپیمایی راهی تهران شدند. کارگران ایران کنف، حدود صد نفر است که ۱۱ ماه است دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند. این کارخانه شب عید تعطیل شد و ۳۳۰ کارگر آن بی‌کار شدند.

جمعی از کارگران سامیکوه صنعت (نسیم آور سابق) همدان در اعتراض به تعطیلی و عدم پرداخت چند ماهه حقوق و دستمزد خود، مقابل کارخانه این شهر تجمع کردند.

محبوب دبیرکل خانه کارگر رژیم، روز ۲۹ فروردین، در گفت‌گو با خبرنگاران اعلام کرد: ما چند ماهی است که در شرایط بحرانی با عدم پرداخت به موقع دستمزد عده‌ای از کارگران دچار مشکل هستیم. محبوب، شمار کارگرانی را که در حال حاضر از ۳ تا ۳۰ ماه دستمزد دریافت نکرده‌اند را صد هزار نفر اعلام کرد.

این در حالی است که در اظهار نظرهای قبلی تعداد کارگرانی که موفق به دریافت به موقع دستمزد خود نشده‌اند حدود نیم میلیون کارگر اعلام شده بود.

در رابطه با با تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۲، نیز انتظار کارگران این بود که با توجه به تورم و گرانی، حداقل دستمزدشان حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد افزایش یابد اما متاسفانه چنین نشد و با افزایش ۱۶/۷۵ درصد حقوق ماهانه کارگران، به حدود ۹۰ هزار تومان رسید، این در حالی است که تورم حدود ۴۰ درصد تورم تخمین زده می‌شود که براساس آن حداقل دستمزدها نیز باید مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان در ماه باشد.

در چنین شرایطی کارگران باید مبارزه خود را سراسری کنند. پیشروان جنبش کارگری و کمونیستی وظیفه دارند که با نقد گرایشات بورژوازی از گرایشات عقب مانده ملی و مذهبی گرفته تا مدرن‌در سطح بین‌المللی که اکنون غیر از سرکوب و دیکتاتوری و به انقیاد کشیدن بشر چیزی دیگری ندارند، آلترناتیو طبقاتی خود را در مقابل جامعه بگذارند.

در این میان جامعه ما، که رژیم دیکتاتوری ناسیونالیسم عظمت طلب و فاشیست سلطنتی و هم ۲۴ سال حاکمیت خونین رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی را تجربه کرده است، عمیقاً به فکر آلترناتیو انسانی جدیدی است. تجارب شکست خورده ملی و مذهبی در زوررق جدید نمی‌تواند ماهیت

سرکوب‌گری و خرافی این حاکمیت‌های دیکتاتور و ضدانسان را تغییر دهد. واقعیت این است که جامعه ایران از خرافات ملی و مذهبی خسته و متنفر است سال‌هاست که اکثریت مردم این جامعه، به دنبال افکار مدرن، پیشرو، انسانی، برابری و آزادی است. این‌ها مهم‌ترین نیاز و مشغله روزمره اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران پیشرو، چپ، کمونیست‌ها و آزادی‌خواه است که هم رژیم سلطنتی و هم جمهوری اسلامی، مردم ایران را از دست‌یابی به آن‌ها محروم کرده است و هر گونه تلاش برای رسیدن به چنین جامعه‌ای را به وحشیانه‌ترین شکلی نیز سرکوب کرده است.

مسئله در این میان تنها طبقه کارگر و مردم محروم و تحت ستم قادرند که با دست‌زدن به یک انقلاب اجتماعی روابط و مناسبات سیستم سرمایه‌داری را از بیخ و بن دگرگون سازند و با برپایی حکومت کارگری، کلیه آزادی‌های فردی و اجتماعی را تامین کنند. عدالت اجتماعی را برقرار سازند. رفاه همگانی را به وجود آورند و جامعه را به سوی لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی رهنمون سازند. از هم‌اکنون کارگران ایران، با تشدید اعتصاب و اعتراض خود به استقبال ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲ رفته‌اند. با امید این که روز جهانی همبستگی بین‌المللی کارگران، نویدبخش سرآغاز گسترش مبارزات کارگران در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری باشد، پرشکوه‌تر به استقبال روز جهانی کارگر برویم.

۲۲ آوریل ۲۰۰۳